

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



[Iran.sabz88@yahoo.com](mailto:iran.sabz88@yahoo.com)

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - مرکز فرهنگی پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهار دوست

روزنامه سبز

نگاه سبز

در سینه ی صبور ما، سی
سال غم نشست

رضا مقصدی

این بار، عاشقانه به پا خیز و سبز باش
آتش به جان تازه، برانگیز و سبز باش

بگذار این بهار به نام تو گل کند

بگذر زرنج اینهمه پانیز و سبز باش

آن آینه، سلام سپید ترا شنید

با آب ها دوباره در آمیز و سبز باش

نور تو از میان دل ما عبور کرد

ای شور نوشگفته! دل انگیز و سبز باش

درامتداد اینهمه شمشادها شاد

با عطر آب و عاطفه، لبریز و سبز باش

دست کدام نیست، ترا زخم می زند؟

بیداد این زمانه، فروریز و سبز باش

جنگل، ترا در آینه ها سبز دیده است

باهرئیر- هر آینه - بستیز و سبز باش

اواز تو زمین و زمان را زلال کرد

بازردی زمانه، در آویز و سبز باش

گیلان من ترانه سزای سپید توست

خندان بخوان! چکامه ی تبریز و سبز باش

شماره دوم هشتم تیرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

تحلیل روزنامه سبز از او ضاع جاری کشور

جنبش زنده است

هدف دلسرد کردن مردم و راندن آنها از صحنه است، نباید در این دام افتاد.

جنبش زنده است. کودتاگران در آغاز سومین هفته تظاهرات مردمی با همه خشونت نتوانسته اند مردم را

به خانه برگردانند. رهبری جنبش به مقاومت خود ادامه می دهد. سمت حوادث جهت گیری به طرف قلب کودتا یعنی آیت اله خامنه ای است.

آخرین اخبار رسیده از ایران حاکی است، علیرغم سرکوب بیرحمانه مردم و به قتل رساندن مردمانی که تعداد آنها رسماً ۲۰ نفر اعلام شده، اما از دههاتفر بیشتر است، جمعیت عظیمی دیروز - شنبه - درمقابل مسجد قبا اجتماع کردند.

نیروهای بیشمار سرکوبگران تا دندان مسلح با همه تلاش خود نتوانستند مردم را متفرق کنند. نیروهای سرکوب که در میان آنها یگان های تعلیم دیده ای از حزب اله لبنان و حماس هم دیده می شوند، با دستگاههای جدید ضد شورش خریداری شده از روسیه به روی مردم آب جوش گشودند. اما اجتماع مردم پراکنده نشد.

به گزارش خبرنگاران "ایران سبز" دیروز شعار عمده مردم حمایت از موسوی بوده است. این درحالی است که شعارها در حال گذر از احمدی نژاد و مرگ بردیکتاتور است و هر روز این شعار بیشتر شنیده می شود:

مرگ بر خامنه ای.

با آغاز هفته آیت اله خامنه ای مورد حملات شدیدتری از طرف نسل اول انقلاب اسلامی قرار می گیرد. سخنان بسیا رتند هادی غفاری و موضع گیری جدید مهدی کروبی در این شمار است. مهدی کروبی رهبر جمهوری اسلامی را به "حاکم قلندر" تشبیه می کند و از شورای نگهبان می خواهد همه مسئولیت انتخابات را به گردن رهبر بیاندازند.

در پیام کروبی فراز مهم دیگری هم هست: "در دوم خرداد ۱۳۷۶ و بیست و دوم خرداد ۱۳۸۸ حضور بی نظیر مردم حاوی پیام مهمی بود که عدم توجه به متن پیام بیست و دوم خرداد و تلاش در جهت تغییر آن ممکن است عواقب جبران ناپذیر و نگران کننده ای برای نظام بدنبال داشته باشد. نمی توان حضور

زنجیر سبز جهانی

ما پیروز می شویم

زنجیره سبز جهان را به هم پیوند

می زند. ایرانیان آزادیخواه بازو

در بلزوی زنان و مردان آزاده جهان

فریاد می زنند:

نترسید، نترسید، ما همه باهم هستیم.

تشکر موسوی از ایرانیان
خارج از کشور

یرحسین موسوی پیامی برای ایرانیان

خارج از کشور فرستاد و از حماسه

حضور آنها سپاسگزارای کرد.

در این پیام که تا زمان انتشار "روزنامه

سبز" در سایت های میرحسین موسوی

منعکس شده است، از جمله آمده

"هموطنان عزیز ایرانیان شرافتمند

دور از وطن حضور گسترده و پرشور

شما هموطنان در انتخابات 22 خرداد

امسال نمایانگر دلپستگی شما عزیزان

به ایران عزیز و دغدغه های قابل

تحمین شما نسبت به آینده کشورتان

است و همانطور که در پیام انتخاباتی

به شما عزیزان اعلام کردم ایران

متعلق به همه ایرانیان است و همه آحاد

ملت در داخل و خارج نسبت به آینده

آن مسئول و در آن از حقوق یکسان

برخوردارند.

بر خود فرض میدانم که از حماسه

حضور شما در تعیین سرنوشت

کشورتان قدردانی نمایم. استقبال

گسترده شما عزیزان از این انتخابات و

حضور سبز و بانشاطتان در پای

صندوق های رأی آنچنان وسیع بود که

حتی منابع دولتی و برگزار کنندگان

انتخابات را وادار نمود که به افزایش

سبب درصدی مشارکت هموطنان

خارج از کشور در انتخابات دهمین

دوره ریاست جمهوری اعتراف نمایند.

اعتماد وسیع شما به این خادم کوچک

ملت و رأی قاطعتان به اینجانب در

اکثریت حوزه های رأی گیری خارج

از کشور مسئولیت سنگینی را بر دوش

من گذاشته است. مایلم به همه شما

اطمینان دهم به عهدی که با شما

عزیزان و تمامی آحاد ملت بزرگ و

حماسه ساز کشورمان بسته بودم پایبند

بوده و با استفاده از تمامی راهکارهای

قانونی حقوق حقه شما را، که در

صندوق های رأی متجلی شده بود

پیگیری خواهم کرد.

متأسفانه چنانچه شما نیز از طریق

رسانه های بین المللی مشاهده میکنید،

بر خلاف نص صریح قانون اساسی و

آزادی های مصرح در جمهوری

اسلامی کلیه امکانات ارتباطات من

با ملت و از جمله شما عزیزان قطع شده

و اعتراضات مسالمت آمیز مردم

سرکوب می شود. رسانه ملی که از

بیت المال کشور اداره می شود با سیاه

نمایی مشمئز کننده ای به قلب حقایق

پرداخته و راه پیمایی مسالمت آمیز

قریب به سه میلیون نفر در تهران را به

اغتشاشگران نسبت میدهد و روزنامه

هایی که از منابع دولتی اداره می شود

به بوق و کرنای غاصبان رأی مردم

تبدیل شده اند.

میلیون ها معترض که بصورت مدنی و مسالمت آمیز اعتراض خود را بیان داشتند نادیده گرفت و یا با

بکارگیری تعابیر ناپسندی از قبیل خس و خاشاک، اراند و اوباش، شورشیان، اغتشاش گران و

آشوبگران ملتی را در مقابل خود قرار داد. بکارگیری این عبارات بهانه ای بدست گروه های خودسر و

لیباس شخصی های بی مسئولیت داده تا با توسل به زشت ترین الفاظ و وحشیانه ترین رفتار که قلم از بیان

آن عاجز است به مقابله با مردم در جهت سرکوبی آنان بپردازند.

می توان سخن سرکوبی را با موضع گیری هاشمی رفسنجانی بعد از یک هفته سکوت پیوند زد: "فتهای

پیچیده از سوی عوامل مرموزی ایجاد وفاق و جدایی میان مردم و نظام و سلب اعتماد و اطمینان آحاد

مردم از نظام اسلامی را هدف گرفته است."

خبرهای دیگری هم در مورد مذاکرات پنهان بین آیات عظام و تغییر و تحولاتی در حوزه های علمیه می

رسد که همگی از شکاف اساسی در حاکمیت خبر می دهد.

حلقه اصلی سبز هم - که نماد مرحله جدید جنبش مدنی ایران است- به زنجیره سراسری ایرانیان

در جهان تبدیل شده است. در روزهای اول هفته، سراسر جهان شاهد راهپیمایی و تظاهرات هزاران

هزار ایرانی بودند.

اکنون نام و تصویر به خون خفته ندا، نماد و پرچم مبارزه در سراسر جهان است. حضور بی سابقه

ایرانیان، سبب زنده ماندن نام ایران و اخبار مربوط به آن در رسانه های سراسر شده است.

کودتاگران همچنان می کوشند باتوسل به شیوه کهنه و پلیدی اعترافات تلویزیونی و اجرای پروژه

توا ب سازی؛ و دستگیری کارکنان ایرانی سفارت انگلستان، جنبش مستقل مردم ایران را به "آخور

آمریکا، انگلیس و اسرائیل" وصل کنند.

روزنامه کیهان هم که اخبار مخفی شکنجه گاهها را از طریق حسین شریعتمداری و حسن شایانفر

در اختیار دارد با زدن تیترهای درشت قصدفضا سازی دارد. همان کاری که توسط تلویزیون سردار

ضرغامی هم انجام می شود.

هدف اصلی این عملیات نشان دادن شکست جنبش و نا امید کردن مردم است. نباید به این دام افتاد. جنبش

زنده و جهانی است.

به اراده مردم گردن بگذارید

حمایت 10 فیلسوف جهان از جنبش اعتراضی مردم ایران

۱۰ فیلسوف برجسته جهان در نامه سرگشاده ای از حکومت جمهوری اسلامی خواسته اند به اراده

مردم گردن بگذارند. متن نامه که توسط خانه فیلم مخملباف منتشر شده باین شرح است:

آیت الله علی خامنه ای خواستار پایان یافتن تظاهرات قدرتمند و گسترده ای شد که در اعتراض به انتخابات

صورت می گرفت. استدلال وی این بود که کوتاه آمدن در مقابل خواست مردم و فشارهای «غیرقانونی»

نهایتاً به «دیکتاتوری» منجر می شود و به تظاهرات کنندگان هشدار داد که ایشان مسئول خشونت های آتی

خواهند بود، نه پلیس. همه کسانی که به فعالیت های سیاسی علاقمند هستند با استدلال خامنه ای آشناوند،

چرا که مقامات دولتی از فرانسه ای ۱۷۸۹ گرفته تا خود ایران ۱۹۷۹ با همین منطق به مخالفت با

عظیمترین جنبش های مردمی عصر جدید برخاسته اند.

نیازی به گفتن نیست که ایرانیان خود باید سمتگیری سیاسی کشورشان را تعیین کنند. با این حال، ناظران

خارجی که شهامت تظاهرات کنندگان ایرانی را در هفته های گذشته ستایش می کنند حق دارند تاکید کنند که

ادعای دولتی که می گوید نمایندگی مردم را دارد تنها در صورتی پذیرفتنی است که ابتدایی ترین

پیش شرطهای شکلگیری چنین اراده ای را محترم بشمارد: آزادی مردم برای گرد هم آمدن بی هیچ مانعی؛

امکان بدون مانع برای بحث و دسترسی به اطلاعات، و به بحث گذاشتن و تصمیم گرفتن.

حمایت خارجی از «ترویج دموکراسی» در بسیاری از کشورهای جهان طی سال های متمادی باعث

گسترش بدبینی موجهی نسبت به جنبش هایی مدنی شده که ادعای مشروعیت مستقیم دموکراتیک دارند. با

این حال، این اصل به خودی خود همواره روشن است: صرفاً مردم می توانند ارزش چنین ادعاهایی را

دریاد. این درخت، صدایت مطرست

این عطر را به شاخه، بیویز و سبز باش

بگذار! - با طراوت یک عشق سر بلند.

گلدان لاله را به سر میز و سبز باش

در سینه ی صبور، ما، سی سال غم نشست

با شادی شکفته، به پا خیز و سبز باش

reza.magsadi@gmx.de

کلن چهارم تیر ماه 88

تهران
منظر حسینی

تهران خسته

تهران تنها

تهران چشمان بی خواب

دل های گرسنه

دهان های بسته

تهران سیم های خاردار

جنازه های بی شمار

تابوت های روان

تهران عصیان سایه ها

پره های سوخته پرواز

شلیک سوره از مناره و گنبدها

تهران دانایی گرم آفتاب

تهران دهان های دوخته فریاد

تهران در های بسته

دستگیری خنده

حبس آزادی

تهران شکست سرخ خیابان

زیر چکمه های آیه

تهران میدانهای تیر و توپخانه و اعدام

تهران تازیانه و تهدید و تیرباران

اینجانب ضمن تشکر مجدد از

اعتراضات مسالمت آمیز شما هموطنان

خارج از کشور که انعکاس وسیعی در

جهان داشت از شما میخوام که با

استفاده از کلیه راهکارهای قانونی و

صدای اعتراض خود را در تقبل

گسترده انتخابات به گوش مسئولین

کشور برسانید. "

میرحسین موسوی 1388/4/3

تعیین کنند. ما امضاءکنندگان این نامه از دولت ایران می‌خواهیم کاری نکنند که مانع از ابراز روشن

خواست مردم شود.

این نامه توسط این فیلسوفان امضاء شده است:

پیتر هالورد (دانشگاه میدلسکس، انگلستان)

آلبرت توئوسکانو (کالج گلداسمیتس، انگلستان)

ایوکویچ، رادا، کالج بین‌المللی فلسفه، پاریس، دانشگاه ژان مونه، سن‌اتین، فرانسه

باتلر، جودیت، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی

بالیار، اتین، پاریس ده، دانشگاه نانتر و دانشگاه کالیفرنیا، ایروین

چامسکی، نوام، دانشگاه ام‌آی‌تی، کمبریج، ماساچوست، آمریکا

دوتمان، الکساندر گارسیا، کالج گلداسمیتس، دانشگاه لندن، انگلیس

رانسیر، ژاک، استاد بازنشسته فلسفه، دانشگاه پاریس، س‌دنی

زوپانچیک، الکتا، مؤسسه فلسفه، فرهنگستان علوم و هنرهای اسلوانی

ژیژک، سلووی، دانشگاه لیوبلیانای اسلوانی و دانشگاه اروپایی

و امضای جمع زیادی از استادان سرشناس دانشگاه‌ها

تهران و الپیم داران بی‌پیام

تهران سربداران و گورهای بی‌نام و نشان.

پرنده‌های عصبان

از آشیانه بحران

پر گشوده اند

و جسارت سرخ روسری‌ها را

چون پرچی

به سوی افق برافراشته اند

آرام گیر دگر تهران!

سقوط، سقوط، سقوط!

می‌نویسند شاعران تبعیدی

و قلم‌های بی‌تابشان

کفنی می‌یافتد از کلام

برای اهریمنان در جهاد

صلح، صلح، صلح سپید!

می‌نویسند شاعران تبعیدی

و بر تن سفید کاغذشان

سرخ،

لخته می‌شود.

تهران، ای شبپوش خاموشم

سوگند به آب

به آفتاب

به آتش

سوگند به نگاه منجمد "ندا"

سوگند به الفبا

که تابوت مرگ ابلهسان

بر شانه‌های تاریخ نشسته است

روان

چنین می‌نویسند شاعران.

آخر بازیست

اسلاوی ژیزک برگردان: شیوا فرهنگ‌راد

[انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ پدیده‌ای شگرف بود که هنوز شگفتی می‌آفریند. در سی‌سالگی که از انقلاب

می‌گذرد فرزاندگانی بارها گفتند که این انقلاب هنوز واپسین سخن خود را نگفته‌است. اینک، اسلاوی

ژیزک فیلسوف نامدار اهل اسلوانی نیز همین را می‌گوید.]

فروپاشی رژیم خودکامه‌ای که به‌سوی فرجام ناگزیر خود گام بر می‌دارد بنا بر قاعده در دو مرحله رخ

می‌دهد. پیش از سقوط قطعی، نخست یک ترک اسرارآمیز در ساختار آن دیدار می‌شود: مردم ناگهان در

می‌یابند که آخر بازیست، و دیگر نمی‌ترسند. نه تنها رژیم مشروعیت خود را از دست می‌دهد، که

قدرت‌نمایی آن را نیز مردم چون واکنش‌های بی‌ثمری از روی دستپاچی می‌پندارند.

همه‌ی ما صحنه‌ی آشنای فیلم‌های کارتون‌ی را به یاد داریم: گریه به لبه‌ی پرتگاهی می‌رسد، اما راهش را

ادامه می‌دهد بی آن‌که توجه کند که زمین زیر پایش خالی شده‌است؛ و تازه پس از آن که پایین را نگاه

می‌کند و زیر پایش را می‌بیند، سقوطش آغاز می‌شود. آن‌گاه که رژیمی مشروعیت خود را از دست

می‌دهد، مانند آن گریه‌ایست که از لبه‌ی پرتگاه گذشته است: برای آن‌که سقوط کند، باید بادش آورد که

زیر پایش را نگاه کند...

در کتاب "شاه شاهان" که گزارش ماندگاریست از انقلاب ایران، ریچارد کاپو شینسکی لحظه‌ی دقیق

پیدایش این ترک را نشان داد: این لحظه روی یک خط عابر پیاده در تهران پیش آمد. پلیس بر سر یکی

از تظاهرکنندگان فریاد زد و فرمان داد که کنار برود، اما او ایستاد و تکان نخورد؛ و در نتیجه پلیس

شرمگین خود را کنار کشید. ساعتی بعد تمام تهران ماجرا را شنید و با آن‌که پلیس ضد شورش هفته‌ها

پس از آن به سرکوب خود ادامه می‌داد، اما همه دریافته‌بودند که دیگر آخر بازیست. آیا اکنون نیز شاهد

چیزی از این دست هستیم؟

تحلیل‌های گوناگونی از روی‌دادهای ایران وجود دارد. کسانی اعتراض‌ها را اوج "جنبش اصلاحات"

غرب‌گرا می‌پندارند و چیزی شبیه به انقلاب "نارنجی" اوکراین، گرجستان و جاهای دیگر، یعنی

همچون واکنشی سکولار در برابر انقلاب خمینی. اینان از اعتراض‌ها چونان نخستین گام به‌سوی ایرانی

سکولار و لیبرال-دموکرات و وارسته از بنیادگرایی سلامی پشتیبانی می‌کنند.

ما ناباوران با تحلیل گروه نخست موافق نیستند و می‌گویند که احمدی‌نژاد در واقع پیروز شده‌است: اوست

که نماینده‌ی اکثریت است و تنها طبقه‌ی متوسط و جوانان مرفه این طبقه به موسوی رأی داده‌اند. به

بابت دیگر: بیابید خیالهایی را کنار بگذاریم و بپذیریم که ایران لیاقت رئیس جمهوری همچون احمدی‌نژاد را دارد و بس. کسانی دیگر موسوی را رد می‌کنند و می‌گویند که او خود فردی از حاکمیت دینی موجود است و تفاوت چندانی با احمدی‌نژاد ندارد: موسوی هم می‌خواهد برنامه‌ی نیروگاه‌های هسته‌ای را ادامه دهد، مخالف بهرسمیت شناختن اسرائیل است، و در طول جنگ با عراق خمینی همواره پشتیبان او بود. و سرانجام، غم‌بارتر از همه، هواداران احمدی‌نژاد در جناح چپ هستند: بزرگترین دغدغه‌ی اینان استقلال ایران است. اینان می‌گویند که احمدی‌نژاد پیروز شد، زیرا او طرفدار استقلال کشور است، فساد آفاده‌ها را فاش کرد، و ثروت‌های نفتی را برای افزایش درآمد اکثریت مسکین مصرف کرد. این است احمدی‌نژاد راستین که در ورای تصویر رسانه‌های غربی از یک شخص بنیادگرای ضد هولوکاست قرار دارد. به گفته‌ی اینان آنچه امروز در ایران می‌گذرد تکرار کودتای غربی‌ها بر ضد مصدق، نخست‌وزیر قانونی کشور، در سال ۱۳۳۲ است.

فزایش شرکت در انتخابات از ۵۵ در صد معمول تا ۸۵ در صد خودنشانیست از رأی ناراضیان. اما گروه اخیر نعمتها این واقعیت را نادیده می‌گیرند، که تظاهرات بی‌غش و خودجوش مردم برای خواست خود را هم نمی‌بینند. اینان با لحنی متفرعانه می‌گویند که ایرانیان عقب‌مانده‌ای که هنوز تا پایهی برخورداری از حاکمیتی سکولار فرا نرویده‌اند، لایق همان احمدی‌نژاد هستند.

وجه اشتراک این تحلیل‌های ضد و نقیض در آن است که همگی جنبش اعتراضی مردم ایران را به شکل زورآزمایی میان تندروهای اسلامی و اصلاح‌طلبان لیبرال غرب‌گرا می‌بینند. از همین رو جایگاه درستی برای موسوی نمی‌یابند: آیا او اصلاح‌طلبی متکی به غرب است که کمی بیشتر آزادی‌های خصوصی و اقتصاد بازار می‌خواهد؟ یا این‌که خود عضوی از حاکمیت ملامت‌ناست که روی کار آمدن احتمالی‌اش تأثیری جدی در ماهیت رژیم نخواهد داشت؟ این نوسان شدید نشان می‌دهد که هیچ‌کدام محتوای واقعی اعتراض مردم را نمی‌بینند.

رنگ سبزی که هواداران موسوی به کار می‌برند، و فریاد "الله اکبر" که در تاریکی شب‌ها از بام‌های تهران بر می‌خیزد، به روشنی نشان می‌دهد که تظاهرکنندگان کار خود را در ردیف تکرار انقلاب سال ۱۳۵۷ می‌دانند: یعنی بازگشت به ریشه‌های انقلاب و تلاش برای پاک کردن فساد که پس از آن رخ داد. این بازگشت تنها مداوم یک برنامه‌ی سیاسی نیست، بلکه در حرکت توده‌های مردم نیز مشاهده می‌شود: در اتحاد خلل‌ناپذیر انسان‌ها، در همبستگی همه‌جانبه‌شان و در سازماندهی خلاقانه‌شان، در شکل فی‌البداهه‌ی بیان اعتراض‌شان، در آن آمیزه‌ی بی‌همتای خودجوشی و انضباط، مانند روزی که هزاران تن در سکوت کامل راهپیمایی کردند. این یک خیزش مردمی از سوی رزمندگان راه آزادی انقلاب خمینیست که به آنان خیانت شده‌است. از این جا چند نتیجه به دست می‌آید. نخست آن که احمدی‌نژاد قهرمان طرفدار اسلام‌گرایان مسکین نیست، بلکه یک پوپولیست و فاشیست اسلامی فاسد و نوعی برلوسکونی ایرانیست که شکلک‌های دلقک‌وار و سیاست قدرتمندی پر خشونت او نگرانی شدیدی حتی در میان بخش بزرگی از آیت‌الله‌ها نیز ایجاد می‌کند.

حرکت عوام‌فریبانه‌ی او در توزیع خرد و ریزهایی در میان فقرا نباید ما را گول بزند: گذشته از سازمان‌های سرکوبگر پلیس و یک دستگاه تبلیغاتی به‌شدت غربی، طبقه‌ی تازه به ثروت رسیده‌ی نیرومندی نیز که فرآورده‌ی فساد رژیم است، از او پشتیبانی می‌کند (سپاه پاسداران نگهبان طبقه‌ی کارگر نیست، بلکه یک شرکت تجاری عظیم و نیرومندترین مرکز ثروت کشور است).

دوم آن که باید تفاوتی بارز میان دو نامزد رویاروی احمدی‌نژاد، یعنی مهدی کروبی و موسوی قائل شد کروبی در واقع اصلاح‌گراییست که در بنیاد، روایت ایرانی سیاست بازگشت به خود را نمایندگی می‌کند و می‌خواهد امتیازهایی به برخی گروه‌های جامعه بدهد. موسوی چیز به‌کلی دیگریست: او پرچمدار نوزایی همان رویای توده‌هاست که انقلاب خمینی را بر پا داشتند. آن رویا شاید خیال‌آبادی بیش نبود، اما

خیال‌آبادی ناب همچون خود انقلاب بود.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب سال ۱۳۵۷ را نباید تا پایه‌ی روی کار آمدن بی‌شرط اسلام‌گرایان خلاصه کرد. آن انقلاب چیزی بسیار فراتر از این بود. اکنون هنگام آن است که آن شور و شادی باورنکردنی نخستین سال پس از انقلاب را به یاد آوریم که چه انفجار شگرف خلاقیت سیاسی و اجتماعی، و چه آزمون و مباحثه‌ی سازمانگری میان دانشجویان و مردم عادی را به ارمان آورد. خود این واقعیت که آن انفجار را می‌بایست خفه می‌کردند، نشان می‌دهد که آن انقلاب یک رویداد اصیل سیاسی و یک گشایش موقت بود که نیروهای دگرساز شگرفی را در پهنه‌ی اجتماع رها کرد و لحظه‌ای را پدید آورد که در آن "همه کاری ممکن بود". اما از آن پس، حاکمیت اسلامی رهبری سیاسی را قبضه کرد و همه‌ی درها را یکی پس از دیگری بست.

به زبان فرویدی می‌توان گفت که جنبش اعتراضی امروز همان "بازگشت سرکوفتگان" انقلاب پیشین است. و سرانجام می‌بینیم که یک ظرفیت ناب آزادی‌بخش در اسلام وجود دارد. برای یافتن یک اسلام "خوب" نیازی نیست که به هزار سال پیش بازگردیم- همین‌جا داریمش، درست پیش دیدگانمان. بنده مشخص نیست. به احتمال زیاد صاحبان قدرت انفجار توده‌های مردم را مهار خواهند کرد، و گریه در پرتگاه سقوط نخواهد کرد و زمین زیر پایش خواهد بود. نیز، رژیم همان رژیم سابق نخواهد بود و تنها رژیمی فاسد و خودکامه در میان انواع مشابه خود خواهد بود.

فرجام کار هر چه باشد، هرگز نباید فراموش کرد که ما هم‌اکنون شاهد یک رویداد شگرف رهایی‌بخش هستیم که در چارچوب کشمکش میان لیبرال‌های غرب‌گرا و بنیادگرایان غرب‌ستیز نمی‌گنجد. اگر پراگماتیسم خودخواهانه‌ی ما دیدگانمان را بر این بعد رهایی‌بخش نبیند، باید اعتراف کنیم که ما خود در غرب در واقع به سوی یک دوران پساموکراتیک می‌رویم و خود را برای احمدی‌نژادهای خودمان آماده می‌کنیم. ایتالیایی‌ها هم‌اکنون نام او را می‌دانند: برلوسکونی. و نوبت دیگران نیز می‌رسد.

زنجیر سبز جهانی

پیام جون بانز به مردم ایران

پیام جون بانز به مردم ایران کوتاه ولی قوی است؛ او در سایت شخصی اش با کلماتی سبز نوشته:

« به مردم ایران: جهان در شما نیروی عدم خشونت را نظاره می‌کند. ما آن را در غرش سکوت شما می‌شنویم و در چشمان شما می‌بینیم، آن گاه که آرام رو در روی رعب و دهشت می‌نشینید. شجاعت شما به شوقمان می‌آورد و فداکاریتان الهام بخشمان می‌شود. چه سعادت‌مندم من که زنده‌ام تا شاهد این جنبش باشم. دعاها، عشق و حمایت را به سویتان روانه می‌کنم. »

پیام جون بانز به مردم ایران در تداوم همان راهی است که هنر و زندگی او پیش از نیم قرن است که از آن می‌گذرد. امسال ۵۱ سال است که جون بانز آواز می‌خواند و همچنان نیروی جادویی موسیقی و صدایش را با تأثیری بیرون از قیاس حفظ کرده است.

ما پیروز می‌شویم به روز

نام ترانه معروف او این بود: ما پیروز می‌شویم. این ترانه سالها می‌تمتد در صدر ترانه های اجتماعی دنیا قرار داشت و همواره همراه مبارزان راه آزادی بود. جون بانز این روزها بار دیگر این ترانه را اجرا کرده است، این بار برای آزادی خواهان ایران و جنبش سبز این سرزمین پاک.

اول نادیده ات می‌گیرند، بعد مسخره ات می‌کنند، سپس با تو مبارزه می‌کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



iran.sabz88@yahoo.com

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - مرکز فرهنگی پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهار دوست

روزنامه سبز

شماره یک هفتم تیرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

نامه جدید میر حسین موسوی - ۶ تیر ۱۳۸۸

فقط ابطال انتخابات

نامه تازه میر حسین موسوی به شورای نگهبان منتشر شد. رئیس جمهور منتخب تنها راه برون رفت از معضل کنونی را ابطال انتخابات اعلام کرده است.

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم. بازگشت به نامه شماره 33512/31/88 مورخ 5/4/1388 معاون اجرایی و امور انتخابات آن شورا، همانگونه که در دو نامه قبلی اعلام گردید گستره تخلفات و تقلبات انجام شده در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و موارد نقض قوانین از سوی دولت و وزارت کشور که بخشی از آن در نامه مورخ 28/3/88 رئیس سازمان بازرسی کل کشور مستند و وارد تشخیص داده شده به حدی است که منحصر کردن رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات انتخاباتی به بازشماری ده درصد صندوق های رای نمی تواند به جلب اعتماد و اطمینان مردم کمک کند و افکار عمومی را در خصوص نتایج اعلام شده اذعان نماید.

ر اساس آنچه که قبلاً به آگاهی آن شورا رسید حجم تخلفات و اقدامات مغایر قانون در چهار بخش:

الف. فعالیتها، تبلیغات انتخاباتی و اقدامات تا پیش از روز رای گیری

ب. عملیات اخذ رای و شمارش آرا

ج. جمع بندی و اعلام نتایج آرا

د. اقدامات پس از رای گیری و اعلام نتایج آرا

به گونه ای است که چاره ای جز ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن باقی نگذاشته است. به عنوان نمونه به برخی از اهم عناوین تخلفات و اقدامات مغایر قانون اشاره می شود که از مصادیق "تأثیر در نتیجه کلی انتخابات" موضوع تبصره ماده 33 قانون انتخابات ریاست جمهوری است و ابطال این انتخابات را اجتناب ناپذیر می سازد (تفصیل هر يك از این عناوین به پیوست ارسال می شود):

نگاه سبز

چشم جهان به موسوی

در حساس ترین روزهای تاریخ معاصر ایران هستیم. جنبش مدنی ایران که جهان را به حیرت واداشت، در محاصره توطئه و سرکوب است. کودتاگران که از مشاوران امنیتی روسیه بهره می برند، دو روش همزمان را پیش می برند. از طرفی بابازی "قانون" وقت را می گذرانند. وقت گذرانی چند هدف را همزمان دنبال می کند.

۱- سرکردن شعله های فروزان جنبش مدنی که اکنون عملاً ارتباطش با رهبری قطع است.

۲- بی خبر گذاشتن مردم از رویدادها از طریق مسدودکردن کلیه مجاری ارتباطی. تغییر روش دو تلویزیون فارسی زبان که با سرمایه دولت های آمریکا وانگلیس براه افتاده اند و سمتگیری آنها به سمت انفعال در این شرایط حساس سؤال برانگیز است.

۲- به انفعال کشیدن رئیس جمهور منتخب میر حسین موسوی و نفر دوم انتخابات مهدی کروبی از طریق مذاکره و گشودن راههای قانونی متعدد که انرژی رهبری جنبش را صرف مذاکره می کند.

خانم بانز که با یک شال سبز همراه جنبش آزادی خواه ایران شده است، این ترانه را در خانه اش ضبط کرده و فیلم آن را روی سایت یوتیوب قرار داده است. اما نکته ی جالب در ویدئوی جدید " ما پیروز می شویم "، اجرای فارسی بعضی از تکه های ترانه است...

جون بانز در میانه های این اجرا به زبان فارسی می گوید: ما پیروز می شویم ما پیروز می شویم به روز من از ته دل بر این باورم ما پیروز می شویم به روز

ایرانیان جهان یک صدابند

فرانسه: قریب 2000 تن از جوانان ایرانی مقیم پاریس و فعالان سیاسی ایرانی مقیم فرانسه در اعتراض به آنچه تقلب آشکار در دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایرانی نامیدند در مقابل و سپس در نزدیکی سفارتخانه جمهوری اسلامی در پاریس دست به تظاهرات زدند. شرکت کنندگان در این تظاهرات ضمن حمایت از اعتراض ها و تظاهرات خیابانی مردم تهران و دیگر شهر های ایران به نتیجه اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری شعار می دادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "رای من کجاست؟" یا "رای مرا پس بده!"

انگلستان: تعدادی از ایرانیان مقیم لندن که در انتخابات روز جمعه به نامزدهای اصلاح طلبان رای داده بودند و اعلام نتایج را "متقلبانه" و "توهین آمیز" می دانستند، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی واقع در محله کنزینگتون دست به تجمع زدند. آنها با دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون «رژیم کودتا هرگز»، «رای ما کجاست؟»، «در انتخابات ایران تقلب شده»، «ما نوشتیم موسوی، آنها خواندند احمدی نژاد» و شعارهایی چون «احمدی پینوشه، ایران شبلی نمیشه»، «مرگ بر طالبان، چه کابل چه تهران»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر دروغگو»، به روند انتخابات ایران و نتیجه اعلام شده، شدیداً معترض بودند. تعدادی از شرکت کنندگان که حتی رای هم نداده بودند، معتقد بودند «تقلب فاحش در اعلام نتیجه» و «همراهی و همدردی با مردم داخل ایران»، آنها را به این اعتراض کشانده است. گروهی دیگر هم که رای داده بودند، بعنوان طرفداران میرحسین موسوی و مهدی کروبی، از نمادهای

نقض صریح، گسترده و جسورانه ماده 68 قانون انتخابات و استفاده وسیع از امکانات دولتی و منابع عمومی و مداخله آشکار تعدادی از اعضای دولت، مدیران ارشد و استانداران و مدیران اجرایی به نفع نامزد حاکم. عدم رعایت بی طرفی از جانب صدا و سیما و ایراد اتهامات اثبات نشده که بخشی از آنها از سوی دادستان کل کشور عمل مجرمانه تلقی شده است و نیز تبلیغ گسترده و جانبدارانه رسانه های متعلق به دولت (ایرنا، روزنامه های دولتی و سایت های خبری) به نفع نامزد حاکم. وقوع گسترده جرایم موضوع ماده 33 قانون انتخابات ریاست جمهوری در زمینه های زیر که مخالف نص صریح بندهای ماده مذکور اند:

خرید رای از طریق توزیع سود سهام عدالت و پرداخت های نقدی به خانواده های تحت پوشش نهادهای حمایتی و روستائیان و عشایر و نظایر آن. تهدید و تطمیع در امر انتخابات از طریق افراد وابسته به دولت و پرداخت وجه نقد به اعضای شوراهای اسلامی و افراد ذی نفوذ و ... عدم اطمینان از خالی بودن صندوقها قبل از لاک و مهر و نیز گم شدن یا خارج شدن تعرفه ها و صندوقها از شعب اخذ رای با توجه به عدم حضور ناظران و گزارش های واصله. عدم اخذ رای از بخش قابل توجهی از واجدین شرایط با محدود کردن زمان اخذ رای و تخلفات متعدد در روز رای گیری از قبیل مدیریت تعرفه ها و ایجاد کمبود تعرفه در شعب اخذ رای.

تقلب در رای گیری که علیرغم چاپ بیش از 12 میلیون تعرفه اضافی و نیز چاپ حدود 2.5 میلیون (و به قولی بیشتر) تعرفه جدید بدون شماره سریال با مجوز یکی از اعضای شورای نگهبان در روز قبل از رای گیری، کمبود تعرفه در حوزه های اخذ رای را شاهد بودیم و بدون تردید با کنترل ته برگ های تعرفه ها با بانک اطلاعات ثبت احوال حجم عظیم آن قابل اثبات است و نیز تخلفات شمارش و تجمیع آرا. توصیه به رای دادن به نامزد مشخص توسط اعضای شعبه و ناظران و اساساً شکل گیری بخش قابل توجهی از شعب اخذ رای و ناظران شورای نگهبان از میان هواداران نامزد حاکم.

ایجاد رعب و وحشت برای رای دهندگان و هواداران آنها در يك هفته منتهی به روز اخذ رای و حمله به ستادها و هواداران در تجمعات قانونی تبلیغاتی در مناطق مختلف کشور. ایجاد محدودیت های متعدد برای نمایندگان ناظر ستادهای نامزدها برای حضور در جلسات هیأت های اجرایی، مراکز شمارش و تجمیع آرا و بخش قابل توجهی از شعب اخذ رای.

قطع سرویس پیام کوتاه در روز رای گیری به عنوان ابزار پیش بینی شده برای نظارت بر شعب اخذ رای و انعکاس تخلفات از سوی ناظرین ستادهای اینجانب جهت پیگیری قانونی و قطع تلفن های همراه و ثابت کمیته صیانت از آرا در زمان تجمیع و اعلام نتایج.

طراحی سباز و کاری غیر قابل نظارت و مغایر قانون برای تجمیع آرای شمارش شده و اعلام نتایج آرا به صورت مهندسی شده (آن هم در حالی که قبل از شروع اعلام نتایج از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور، نتایج انتخابات در سایت های وابسته به دولت، سپاه و روزنامه کیهان درج شده بود) مداخله گسترده و غیرقانونی بخش هایی از نیروهای مسلح قبل و حین انتخابات که خلاف نص صریح نظر حضرت امام (ره) می باشد.

وجود بیش از 170 حوزه اخذ رای با میزان آرای مأخوذه بین 95 تا 140 درصد. حمله به ستادهای انتخاباتی در شهرستانها و تهران و پلمپ ستاد مرکزی اینجانب و دستگیری رئیس و اعضای فعال آن که موجب اختلال در گردآوری کامل اسناد و مدارک تخلفات انتخاباتی گردید.

که همه موارد فوق دال بر وجود تخلفات برنامه ریزی شده و سازمان یافته جدی در امر برگزاری انتخابات است. از آنجا که بنابر اعلام شورای نگهبان بخشی از تخلفات صورت گرفته در انتخابات دهم ریاست جمهوری بیرون از دایره صلاحیت بررسی آن شورا است و نیز بخش هایی از اعتراضات قانونی علاوه بر شخص وزیر کشور و عوامل و مجریان آن وزارتخانه متوجه نحوه عملکرد تعدادی از اعضای

هدف تسلیم رهبری جنبش و بویژه میرحسین موسوی است. تسلیمی که روحیه دستگیر شدگان را در هم خواهد شکست. مردم را دلسرد و سنگر مردمی اصلاحات را خالی خواهد کرد. متأسفانه عکس العمل مهدی کروبی و صفحه اول روزنامه اعتماد ملی شبیه 6 خرداد نشان می دهده که حزب اعتماد ملی پا در این دام امنیتی گذاشته است.

از سوی دیگر در زمینه وقت کشی گرفتن اعتراف از دستگیرشدگان مبنی بر ارتباط با غرب و کودتای مخملی با دلارهای آمریکا برای ازمیان برداشتن جریان اصلاح طلب از طریق اعدام و زندان؛ ادامه دارد. اعترافات که اکنون به رسانه های شکنجه بر زبان دستگیرشدگان جاری و درتلوژیون اعلام خواهد شد.

حرکت بعدی کودتاگران سرکوب خونین و تمام عیار تمام کسانی است که دست به مقاومت بزنند. اولین قربانی هم شخص میرحسین موسوی خواهد بود.

اما هنوز وقت هست. تنها درایت و شجاعت میرحسین موسوی است که باقراخواندن مردم نقشه های کودتاگران را نقش بر آب کند. جهان که به نحو بیسابقه ای به پشتیبانی جنبش مندی ایران آمده، چشم به تهران و میرحسین موسوی دوخته است.

مردم ایران هرگز اینقدر متحد، برخوردار از پشتیبانی جهانی نبوده اند. تاریخ شکست این لحظه تاریخی را به حساب میر حسین موسوی خواهد نوشت.

زاله»

در سال ۱۳۵۷ در میان انبوه کشتگان ۱۷ شهروبر برای زنی گمنام نوشته شد. این بار گویی زمان تکرار شده، و آن زن نامی یافته است شایسته هویت

سبز رنگ و سفید استفاده کرده بودند.

بلژیک: شمار زیادی از ایرانیان مقیم بلژیک نیز برای چند روز پیاپی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در خیابان روزولت گرد هم آمدند. در بیانیه صادر شده از سوی این جمع آمده است: ما با شناختی که از رژیم داریم، (فکر می‌کنیم به هم وطنان ما توهین شده و رای آن‌ها شمرده نشده است.) می‌دانیم که بار دیگر میلیون‌ها پیر و جوان ایرانی را به بازی گرفته و حتی در تئاتری که خودش کارگردانی و عروسک‌گردانی کرده، فریب و تقلب عیبی را به مردم تحمیل کرده‌اند. تقلبی که این مردم را سرخورده تر و عاصی تر خواهد کرد. بیایند همه با هم، از اروپا بخواهیم به اروپا اعلام کنیم تا نتیجه آرا در ایران را برسمیت نشناسد و خواهان رسیدگی بین‌المللی بیطرف، در این زمینه شویم.

هلند: عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم هلند نیز در یک حرکت اعتراضی، همراه و همپای دیگر ایرانیان سبز شدند. جوانان ایرانی در مقابل سفارت ایران در لاهه جمع شدند و به آنچه " دروغ و تقلب " نام کرده بودند اعتراض کردند. در بیانیه این جمع از جمله آمده بود: ... برای پاسداشت آرای داده شده و به عنوان تنها کاری که برای وطنمان ایران می‌توانیم انجام دهیم و برای آزادی و حقیقت به عنوان حرکتی کوچک در مقابل سفارت ایران در لاهه تجمع کرده ایم و به دروغ اعتراض می‌کنیم. تجمع لاهه نیز مانند تجمعات مسالمت آمیز دیگر نقاط دنیا بر این نکته تأکید داشت که این تجمع به هیچ سازمان و حزب سیاسی و غیر سیاسی وابسته نیست و در حمایت از منافع هیچ سازمان یا حزبی هم برگزار نمی‌شود. هدف ما تنها اعتراض به تخلف در نتایج آرا و خشونت علیه معترضین در ایران است.

ایتالیا: رم پایتخت ایتالیا نیز شاهد حضور جمعی از معترضین در مقابل سفارت ایران بوده است. علاوه بر این تجمع اعتراض آمیز، روزنامه ایتالیایی " ایل رفورمیستا " در فراخوانی از مردم این کشور دعوت کرده بود به حمایت از دموکراسی خواهان ایران، در یکی از میدان‌های شهر رم تجمع کنند. این فراخوان نیز با حمایت احزاب راست و همچنین چپ میانه مواجه شد. آنتونلو ساکت‌تی، نویسنده و روزنامه نگار ایتالیایی گفته است: "این تظاهرات در حمایت از اعتراضاتی است که در تهران و تمام ایران نسبت به نتایج انتخابات صورت می‌گیرد. حمایت از کسانی که به خیابان‌ها و میدان‌های ایران آمده‌اند و خواستار انتخابات جدید هستند. ما همچنین خواستار پایان دادن به محدودیت‌ها و خشونت‌هایی هستیم که نسبت به این تظاهرات مسالمت آمیز علیه ایرانیان صورت می‌گیرد." از سوی دیگر ایرانیان مقیم فلورانس، از دیگر شهرهای ایتالیا، با استاندار توسکانا، شهردار فلورانس و نمایندگان

خود شورای نگهبان و تخطی آنها از ضوابط قانونی و نقض بیطرفی است، رسیدن به يك داوری منصفانه در این مورد اساساً نمی‌تواند در حیطه شورای نگهبان و به طریق اولی در حیطه هیأتی باشد که منتخب این شورا است، گذشته از اینکه برخی از افراد این هیأت در این انتخابات موضع بیطرف نداشته‌اند و نسبت به نتایج آن پیش از بررسی، اعلام موضع کرده‌اند که این مسأله به رفع ابهامات و اقناع افکار عمومی کمک نمی‌کند.

لذا اینجانب ضمن تأکید مجدد بر ابطال انتخابات به عنوان مناسب‌ترین راه برون رفت از معضل ایجادشده و بازسازی اعتماد عمومی و صرفاً برای اینکه راهی نیز جهت رسیدگی از طریق يك هیأت حکمیت ملی گشوده بماند و اعتراض قانونی مردم در مرجعی مورد رسیدگی قرار گیرد که بتواند مورد اجماع ملی و وفاق عمومی بوده و رای آن مورد قبول عموم رای دهندگان و مایه اطمینان خاطر مردم باشد، پیشنهاد می‌کنم که موضوع به حکمیتی شرعی و قانونی و مستقل که مورد اتفاق نامزدها و حمایت آن دسته از حضرات آیات و مراجع عظام تقلید که حل و فصل موضوع را پیگیری نموده‌اند، باشد ارجاع داده شود.

میرحسین موسوی

پیام مردم ایران به موسوی از زبان محسن مخملباف

رئیس جمهور موسوی فرمان بده

رئیس جمهور موسوی سکوت نکن. صبر نکن، به ما فرمان بده. گمشده ما مردم ایران، آگاهی نبود، شاکتدار سیاسی با واداشتن مردم به عمل به وجود می‌آید و با خلاف آن از بین می‌رود. دروغ‌گویان و دزدان رای ملت، با خریدن وقت، اقتدار سیاسی ملت را تضعیف می‌کنند. رجاعت بود. ترس ما، از احساس تنهایی تک تک ما به وجود آمد. شرکت در انتخابات و راهپیمایی میلیونی ثابت کرد که اگر همه ملت با هم باشیم ضربه ناپذیریم.

رئیس جمهور موسوی مردم را به خانه‌ها نفرست تا دوباره در تنهایی، سرکوب یاس و ترس شوند. از دولتی که خود غیر قانونی است، اجازه قانونی راهپیمایی مسالمت آمیز نخواهد. اکثریت جامعه ایران که به تو رای داده‌اند، منتظر فرمانت هستند.

به ما فرمان راهپیمایی بده.

به ما فرمان اعتصاب عمومی بده.

به ما فرمان مبارزه بده.

نیاز مشترک ما فرمان توست، رئیس جمهور موسوی به ما ملت فرمان بده.

از طرف مردم ایران

محسن مخملباف

ششم تیرماه هزار و سیصدو هشتاد و هشت

شکنجه برای اعتراف گیری و سرکوب خونین

امروزی خود : ندا

اندوها بر این « مجموعه

روزان و شبان» و ندا و ندا و

نداهای دیگر...

ژاله

صبح است - ایستاده ایم و نظامی‌ها

تاراج می‌کنند صداها را

فواره‌های سرخ و آسمان کوچک

میدان

با

مردگان سخنی نیست

صبح است -

آفتاب برهنه

بر چشمهای باز تو

می‌تابد

ای زن که در گریز به آزادی

از بند تن

چنین به وسوسه پرواز

کرده بی

اینجا کلاغ غارغار

نخواهد کرد

جلال سرفراز

شهریور 57

به جهان اعلام می‌کنیم :

هرگونه اعتراف از دستگیر شدگان بر اساس شکنجه بوده و فاقد اعتبار است

حکومت کودتا، برای نهائی کردن کودتای سیاسی ۲۲ خرداد و تبدیل آن به یک کودتای تمام عیار نظامی، دستگیرشدگان را زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار داده است.

بر اساس اطلاعات دقیقی که از ایران به "خبرگزاری ایران سبز" رسیده است، برخی از چهره‌های

رهبری اصلاحات در اوین تحت شدیدترین فشارهای روحی و جسمی قرار دارند تا به بر نامه‌ریزی

برای کودتا اعتراف کنند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی در بیانیه‌ای که در تهران منتشر شد، در باره این خطر هشدار داد: "تحلیلهای ذیان‌گونه و رسوا مبنی بر اعترافات بازداشت‌شدگانی که معلوم نیست از چه کانالی، چگونه و بر اساس چه قانونی به رسانه‌های اقتدارگرا رسانده می‌شود، تأیید کننده این مطلب است که اراده جریان حاکم بر "گرفتن ماهی‌های درشت از آب گل‌آلود موجود است

سازمان عفو بین‌الملل نیز بیم خود را از شکنجه روزنامه‌نگاران دستگیر شده اعلام داشته است سازمان‌گزارشگران بدون مرز هم در آخرین بیانیه خود می‌نویسد: "گزارشات متعددی از شکنجه کردن بازداشت‌شدگان دریافت کرده است

نیروهای امنیتی که از یاری نزدیک مشاوران روسی برخوردارند، از همان تاکتیکی استفاده می‌کنند که در دهه شصت برای سرکوب نیروهای سیاسی بکار برده شد.

بر اساس این "روش روسی" ابتدا چهره‌هایی را که برای مردم سرشناسند دستگیر می‌کنند. سپس شکنجه سیستماتیک روحی و روانی با فشار بسیار زیاد آغاز می‌شود. معمولاً همه دستگیرشدگان رازیر فشار می‌برند تا بتوانند ابتدا یک نفر را بشکنند و وادار به اعتراف کنند. سپس فیلم این اعتراف را به دیگر افرادی که زیر شکنجه هستند نشان می‌دهند. تجربه نشان داده است این سیستم حداقل چند نفر را به اعتراف و ا می‌دارد. سپس این افراد را به تلویزیون می‌آورند. پخش برنامه تلویزیونی مجوز برای سرکوب عمومی و اعدام گروهی یا بیشتر دستگیر شدگان است.

مقالات متعددی که روزنامه کیهان - ارگان مرکزی کودتاگران- نوشته و اطلاعاتی‌های دفتر سیاسی سپاه و انتشار تدریجی اعترافات دستگیر شدگان، همه و همه نشان می‌دهد که هدف از دستگیری تعداد زیادی از چهره‌های اصلاح‌طلب و روزنامه‌نگاران برای گرفتن اعتراف به "کودتای مخملی" است که به نوشته کیهان با بودجه ۸۴ میلیارد دلاری آمریکا به اجرا در آمده است.

حتی محمدخاتمی هم به این "پروژه" وصل شده و سایت‌های نزدیک به دولت از "ملاقات محرمانه خاتمی با مقام‌های آمریکایی در قاهره پیش از انتخابات" خبر داده و این ملاقات را به "شورش" های اخیر نسبت داده‌اند.

خبرهای رسیده از زندان حاکی است که این پروسه با شدت تمام در جریان است و بویژه مصطفی تاج زاده و عبدالله رمضان زاده به نحو حشیانه‌ای شکنجه شده‌اند.

سعیدحجاریان در ملاقات کوتاهی که در میان مامورین امنیتی داشته شدت بهت زده بوده و فقط می‌گریسته است.

از صبح شنبه ۶ تیرماه روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران اطلاعاتی را در باره اعترافات همراه باحروف اول اسامی متعددی منتشر کرده و فیلمی هم از اعترافات امیرحسین مهدوی توسط خبرگزاری دست راستی فارس منتشر شده است.

کسانی که دهه شصت رابه خاطر دارند، باردیگر خود را بانسخه جدیدی از اعترافات جلوی پرده‌آبی روبرو می‌بینند.

ناظران معتقدند بازی قانون رهبر- شورای نگهبان- مجلس برای وقت‌کشی باین دلیل است که هنوز نتوانسته‌اند از کسی اعتراف بگیرند.

غیبت حسین شریعتمداری که پروژه اعتراف‌گیری را همراه تیم سعید امامی تمرین کرده است، اخبار رسیده از حضور سعید مرتضوی در جریان بازجویی‌ها، تهدید میرحسین موسوی توسط نمایندگان عضو شورای امنیت ملی و سخنان احمدخاتمی در نماز جمعه و تقاضای بر خورد "بیرحمانه" از قوه نسخه بروز شده حوادث دهه شصت است.

آشنایان به سیاست‌های سرکوب جمهوری اسلامی می‌گویند: ارتباط دادن تظاهرات مسالمت‌آمیز به "دشمنان داخلی و خارجی"، "تحریک منافقان و سلطنت‌طلب‌ها" توسط اعضای فراکسیون امنیت ملی مجلس، تأکید بر "توطئه‌هایی که از بیرون از کشور اغتشاشات اخیر را مدیریت می‌کنند" در دیدار با

احزاب مختلف نشست‌های برگزار کردند تا مطالبات مدنی مردم ایران را اعلام کنند. کمیته‌ای برای پیگیری این امر تشکیل شد تا در اولین نشست رسمی استانداری توسکانا متنی را به تصویب برساند.

آلمان: شهرهای مختلف آلمان هم مانند بسیاری از کشورهای دیگر شاهد موج اعتراضات ایرانیان به نتایج انتخابات است. عصر چهارشنبه تظاهراتی در برلین مقابل وزارت امور خارجه آلمان برگزار شد. همچنین در شهر کلن هم معترضان به خیابان آمده بودند. علاوه بر این ایرانیان معترض به نتایج انتخابات در همراهی و پشتیبانی از وطن و مردم ایران در شهرهای هامبورگ، هانوفر و فرانکفورت نیز گردهم آیی کردند و به خیابانها آمدند.

اتریش: ایرانیان مقیم اتریش نیز در وین گرد هم آمدند. این تظاهرات در طول سی سال در وین بی نظیر بود. نه تنها از وین بلکه از دیگر شهرهای اتریش هم به وین آمده بودند. ایرانیان این جمع طی بیانیه‌ای اعلام کردند: "ما با این تجمعات می‌خواهیم با همه مردم دنیا صحبت کنیم و بگوییم همه لباس سبز بپوشند. بچه‌ها در ایران تنها نیستند. هر کس که موافق جریان این رای‌گیری نیست با لباس سبز باشد. به بچه‌ها بگوییم که همه ما در خارج از کشور با آنها و در کنارشان هستیم." ایرانیان ساکن در اتریش، همچنین خواستار پایان یافتن هر چه سریعتر خشونت‌ها در ایران شدند.

کانادا: در شهر ونکوور کانادا هم ایرانیان هر شب مقابل گالری هنر ونکوور در ساعت ۹ و نیم شب گردهم جمع می‌شوند و با روشن کردن شمع با معترضان به نتیجه انتخابات در تهران همراهی می‌کنند و با بازماندگان کشته‌شدگان و زخمی‌شده‌های روزهای اخیر ابراز همدردی می‌کنند. برگزار کنندگان اعلام کرده‌اند که به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. همچنین در وینیپگ کانادا شماری از ایرانیان معترض به نتایج انتخابات در دانشگاه مانیتوبا دست به تظاهرات زدند. آنها با روشن کردن شمع یاد قربانیان درگیریهای اخیر ایران را گرامی داشتند.

میرحسین موسوی و تهدید او به اینکه "زودتر تصمیم بگیر تا به وضعی دچار نشوی که نتوانی پاسخگو باشی" نشان دهنده این است که عملیات اعتراف گیری به مرحله نهائی خود نزدیک می شود. کودتاگران که سرگرم بازی "یک بام و دو هوا" با میرحسین موسوی برای گنجاندن وقت هستند اگر نتوانند او را تسلیم کنند، به مرحله دستگیری پیش گذر خواهند کرد.

مرحله جدید بازی پیچیده امنیتی اعلام شورای نگهبان مبنی بر تعیین یک شوار برای رسیدگی به تخلفات انتخابات است که متأسفانه مهدی کروبی را هم گرفتار تارهای نامرئی خند کرده است.

دکتر محسن سازگارا، فعال سیاسی به خبرنگار "ایران سبز" گفت: "من هم این اخبار را شنیده ام. به ملت ایران اعلام می کنم هر نوع اعتراف از داخل زندان ناشی از شکنجه است و اعتبار حقوقی و قانونی ندارد."

جبهه مشارکت هم در بیانیه خود اعلام کرده است: "اعلام می کنیم که هرگونه اعترافی که در زندان، شدگان گرفته شود قانونی و قابل استناد نیست."